



گروه جهادی شهید باکری مشکلات نیازمندان را به صورت ریشه‌ای رفع می‌کند

وقف نیروی جوانی در راه خیر

نجمه موسوی کاهانی همه چیز از یک زمستان خیلی سرد شروع شد؛ وقتی ابوالفضل بیست ساله بادی‌ن وسایل خانواده‌ای در محله مهرگان که گوشه خیابان ریخته شده بود، دلش آرام نگرفت و کمر همت بست تا هر طور شده است راهی برای سامان دادن آن‌ها پیدا کند. به آدم‌های مختلف زنگ زد و دست به دامن رسانه شد. تا عاقبت شبانه وسایل خانواده حسینی را بردند به یک مسجد و برای خودشان سرپناهی یافتند. همان زمان با خودش عهد کرد که نیروی جوانی‌اش را در راه خیر به کار برد و تا می‌تواند دست نیازمندان را بگیرد.

ابوالفضل خیراندیش، دانشجوی حقوق اهل اصفهان، از پنج سال پیش بر عهد خود ماند و خیریه یک نفره‌اش را که به نیت شهید باکری نام‌گذاری کرده بود، گسترش داد و اکنون بیش از بیست نفر در این گروه جهادی محله پایین خیابان باوهم مسیر شده‌اند.

طعم خوب کمک کردن

همراه گروه جهادی شهید باکری راهی خانه چند نفر از مددجویان در حاشیه‌ای ترین نقطه از شهر می‌شویم. جوانی که چشمش نیاز به عمل جراحی دارد، پدر خانواده‌ای که بر اثر تصادف زمین گیر شده است و هزینه تعویض لوله‌های تنفسی‌اش را هم ندارد، خانواده‌ای با دو معلول که خانه‌شان در و پنجره ندارد و چندین مورد دیگر که دیدن مشکلاتشان غمی بزرگ بردل می‌نشانند، هر انسانی را منقلب می‌کند. اما هر بار که نیازی رفع می‌شود و دیدن لبخند روی لب نیازمندی که زندگی‌شان غرق در مشکلات شده، بهترین دلیل برای پای کار ماندن در گروه جهادی است.

اعضای گروه جهادی شهید باکری نیز هرگاه به گرهی فکری می‌کنند که از مشکل زندگی هر کدام از مددجویان نشان باز کرده‌اند و آرامشی که در پس آن در خانواده‌ای به وجود آمده است، خستگی از تنش‌شان زدوده می‌شود. مسئول این گروه ابوالفضل خیراندیش، جوان بیست و پنج ساله‌ای است که از دوران نوجوانی به مسائل اجتماعی بی تفاوت نبوده و از سالی که به خاطر در سب به مشهود آمده است، تاکنون ۱۵۰ خانواده را به طور مستقیم زیر پوشش دارد و به طور غیرمستقیم هم به صد خانواده کمک رسانی می‌کند؛ پنج سال پیش، روز ولادت امام زمان (عج) بود که حس خوب سرپناه دادن به خانواده‌ای را چشیدم و عهد بستم تا دیگران را نیز با خودم همراه کنم. بازتاباتی که داشتیم، در حاشیه شهر و روستاهای اطراف معتمدان محلی و خیران را پدید کردیم.

افراد باتجربه در کنار جوان با انگیزه

شناختن نیازمندان کار سختی نیست. تعدادی از طریق بهزیستی و کمیته امداد و تعدادی نیز به کوشش افراد محلی معرفی می‌شوند. امام‌دیریت گروه نیاز به الگوهای قوی دارد؛ کم‌کم خانواده‌هایی که نیاز به کمک داشتند، زیادتر می‌شدند و باید راهی پیدا می‌کردم برای حل ریشه‌ای مشکلاتشان. تجربه خیریه‌های موفق را رصد کردم؛ حتی آن‌هایی که از نظر جناحی و سیاسی مانند من نبودند. با ایده‌های جدیدی که در ذهن داشتم و تفکر تولید و ایجاد شغل، توانستم خیلی زود گروه را گسترش دهم و افرادی که مانند خودم دغدغه کمک به دیگران را داشتند، در کنارم قرار گرفتند. همراه شدن افراد باتجربه و جوانان پرانرژی، ترکیبی قوی ایجاد کرد. رضا امتحانی یکی از افرادی است که سال‌ها کار فرهنگی کرده و پس از بازتأسیس در کنار این گروه قرار گرفته است؛ چهار سال پیش، زمان انتخابات بود که با آقا ابوالفضل آشنا شدیم. من به تنهایی برای خانواده‌های نیازمند کمک جمع می‌کردم و آن زمان هم فردی بود که سکنه کرده بود و یک مادر پیرو دختربیمار داشت. موضوع را به آقای خیراندیش گفتم و خیلی زود مشکل‌شان را حل کرد. برق نگاه آن خانواده را که دیدم، با خودم گفتم باید به این گروه بپیوندم و در این مسیر باشم. امتحانی معتقد است برای کارهای فرهنگی و اجتماعی باید هزینه کنی؛ هم از مال و هم از وقت. خیراندیش می‌گوید: هیئت مدیره ما متشکل از شش نفر بازنشسته و دلسوز است و هر چه در توان دارند، برای انجام کارهای جهادی می‌گذارند. یک بار برای کمک و اجرای جشن می‌خواستیم برویم روستای درخت بید، سمت صالح آباد تربت جام. آقای امتحانی می‌خواست برود شهرستان‌شان برای مراسم دختربیمار. از ایشان خواستم نروم و با ما آمد. این کار خیلی ارزشمند است که برنامه‌های گروه جهادی را در اولویت بگذاری.

ایجاد شغل، مهم‌ترین دغدغه

فعالیت‌های گروه جهادی شهید باکری محدودیت ندارد. چهار، سیسمونی، سرپناه و خانه، دوا و درمان، اشتغال، بسته معیشتی، بسته تحصیلی، مشاوره خانواده و فردی، آموزش‌های فرهنگی و اجتماعی و هر نوع نیاز دیگری که وجود داشته باشد، در برنامه‌های این گروه جا می‌گیرد. اما اولویت بندی دارد.

خیراندیش می‌گوید: مادر همه زمینه‌ها پرورنده داریم، اما اولویت بندی می‌کنیم. مثلاً اشتغال برایمان مهم است. نگاه ما این است که مشکلات ریشه‌ای درمان کنیم. اورژانس اجتماعی و دیگر نهادها را پای کار می‌آوریم. حتی با چندین کارخانه و کارگاه صحبت کرده‌ایم تا بتوانیم برای افراد شغل مناسب ایجاد کنیم.

این جوان خوش فکر ادامه می‌دهد: بسته معیشتی را به کسی می‌دهیم که واقعا توان کار ندارد. برای بقیه افراد کار مناسب پیدا می‌کنیم. حتی تولیدی راه‌انداخته‌ایم که به واسطه آن چندین نفر مشغول کار شده‌اند. چند خطا ط هنر دستشان را روی پوست پیاده می‌کنند و دعا‌های مختلف مانند حرز امام جواد (ع) را می‌نویسند. بازار فروش را هم مهیا کرده‌ایم و چند نفر را مسئول فروش گذاشته‌ایم.

همراهی در حد توان

غلامعلی خدادادی جانباز ۱۶ درصدی است که از پارسال با خیراندیش و فعالیت‌های گروه‌اش آشنا شده است. او که کارگاه کوچک تولیدی خیاطی و بافندگی دارد، می‌گوید: پارسال در بهشت رضا (ع) برنامه گلزار شهدا داشتند و همان جابو که متوجه نوع فعالیتشان شدم، به او گفتم من یک ماشین پراید دارم که می‌توانم در زمان توزیع بسته‌های معیشتی بایر موقعی که نیاز به جابه جایی وسیله‌ای بود، به شما کمک کنم.

یکی دیگر از افرادی که حضور فعال دارد، حسن احمدی، جانباز ۷۰ درصد، است. او یکی از فعالان فرهنگی و اجتماعی و عضو شورای حل اختلاف توس است. بایبانی شیوا می‌گوید: وقتی دیدم خیراندیش توان جوانی را برای کار خیر به کار می‌برد، کنارش قرار گرفتم تا بتوانیم قدمی برای نیازمندان برداریم.

رسانه، ابزار اعتماد سازی

خیراندیش جوانی است که اهمیت رسانه را خوب می‌داند. به همین دلیل تیم رسانه‌ای راه‌انداخته است تا نیرو کاران را از سرنوشت پولی که اهدا کرده‌اند، آگاه کند. مریم دهقان بیست سال دارد و مسئول رسانه‌ای این گروه است. او که یک سال پیش با گروه شهید باکری همراه شده است، می‌گوید: مردم باید به ما اعتماد کنند تا همراهمان شوند.

دهقان خاطره‌ای از یک خیر مبتلا به سرطان تعریف می‌کند می‌گوید: بازخوردها را به دست خیران می‌رسانیم تا ببینند و قیامت و نذر و نشان کجا هزینه می‌شود. پارسال خیری بود که هزینه ساخت سرویس بهداشتی برای خانواده نیازمندی را داد و وقتی فیلم قبل و بعد از ساخت را نشان دادیم، بالبخند گفت: «آرامشی را که می‌خواستیم، پیدا کردیم». هفته بعد به دلیل بیماری‌ای که داشت، فوت کرد.

با این نگاه که خیراندیش و گروهش دارند، آرزوی کشوری شدن فعالیت‌های جهادی گروه شهید باکری دور از ذهن نیست.

